

## بررسی قبول وکیل در اسناد وکالت

محمد صادق آیت‌اللهی<sup>۱</sup>

اشاره:

رویه دفاتر اسناد رسمی از بدو تأسیس بر این بوده است که در تنظیم اسناد وکالت فقط از موکل احراز هویت کرده، سند را تنها به امضای موکل رسانده‌اند. و این رویه تاکنون بر مصداق «ره چنان رو که رهروان رفتند» باقی و ثابت است. آنچه باعث تحریر این مقاله گردید، این بود که ممکن است بعضی از همکاران خصوصاً سردفتران جدید، مستند قانونی این رویه را ندانند و در عمل و پاسخ به مراجع ذی صلاح دچار مشکل گردند. از این رو در این مختصر به بررسی این موضوع پرداختیم؛ بدان امید که مورد استفاده همکاران محترم قرار گیرد.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

قبل از ورود به بحث، تذکر این نکته را لازم می‌دانم که عده‌ای از فقها، وکالت را در زمره ایقاعات شمرده‌اند و تحقق مفهوم آن را منوط به قبول ندانسته‌اند،<sup>۱</sup> در این صورت شکی نیست که برای تنظیم سند وکالت نیازی به احراز هویت و امضای وکیل نیست ولی این نظریه را قانون مدنی به پیروی از غالب فقها نپذیرفته است و وکالت را در ماده ۶۵۶ عقد تعریف کرده است. ما در این مقال، با قبول نظریه عقد بودن وکالت و با توجه به شرایط عقود، موضوع را بررسی می‌نماییم. ابتدا به بررسی فقهی، سپس حقوقی و در فصل بعد، از نظر حقوق ثابت بحث و بررسی می‌نماییم.

## فصل اول

### (بررسی فقهی مسأله)

#### الف) توالی ایجاب و قبول

فقها در این که توالی بین ایجاب و قبول شرط نیست، متفق القول اند: صاحب شرایع می‌فرماید: «هرگاه قبول، مؤخر از ایجاب واقع شود، در صحت عقد خللی وارد نمی‌کند، زیرا غایب می‌تواند وکیل قرار گیرد و قبول غایب موخر است».<sup>۲</sup> و شهیدین در شرح لمعه بدین عبارت بیان نموده‌اند: «و در قبول وکالت فوریت شرط نیست بلکه تراخی از ایجاب جایز است هرچند مدت آن به طول انجامد، زیرا

---

۱. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۱۹ به نقل از کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، عقود معین ۴، انتشارات مدرس، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶.  
۲. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۲، چاپ مطبوعه الاداب، ۱۳۸۹ هجری قمری.

غایب وکیل قرار می‌گیرد و قبول او مؤخر است و مثل این که جواز توکیل غایب مورد اتفاق نظر فقهاست»<sup>۱</sup>.

امام خمینی (ره) نیز در *تحریر الوسیله* می‌فرماید: «... پس در عقد وکالت توالی بین ایجاب و قبول شرط نیست بلکه تحقق عقد وکالت به وسیله مکاتبه از طرف موکل و رضایت بدانچه در این نوشته آمده است از طرف وکیل بعید نیست، هرچند مدتی در وصول آن به وکیل تأخیر افتد»<sup>۲</sup> و این مسأله بین فقها اجماعی است.<sup>۳</sup>

تنها صاحب *جواهر* بر این امر ایراد گرفته و چنین می‌گوید: «پس سزاوار نیست که در قبول وکالت قائل به صحت تأخیر باشیم، حتی در صورتی که وکیل حاضر باشد که موکل مثلاً بگوید: تو را وکیل کردم و تو وکیل من هستی. پس وکیل ساکت شود و سپس مثلاً بعد از یک سال بگوید قبول کردم، از آنچه در گفتار عربی جاری نیست، پس سزاوار نیست تأمل در فساد استدلال مزبور (یعنی استدلال به وکالت غایب برای تأخیر قبول) بلکه اگر اجماع در اینجا تام باشد، حجت است. (در صورتی که من گمان نمی‌کنم بلکه گمان من عدم اجماع است خصوصاً بعد از این که فقها بحث را مانند من تحریر نکرده‌اند) در غیر این صورت استدلال فاسد است و آنچه که افراد غایب در این زمان با یکدیگر انجام می‌دهند کلاً از باب اذن و امر است»<sup>۴</sup>.

در پاسخ به صاحب *جواهر* باید گفت که اولاً، اجماع در اینجا تام است، زیرا قول مخالفی وجود ندارد. ثانیاً همان گونه که قبلاً گفتیم عرف دلالت بر تراخی بین ایجاب و

۱. جبعی عاملی، زین الدین، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ج ۲، ص ۱۵، چاپ دفتر تعلیمات اسلامی، تابستان ۶۵.

۲. امام خمینی (ره)، *تحریر الوسیله*، ج دوم، ص ۳۹، چاپ و تاریخ ندارد.

۳. کرکی، شیخ علی، *جامع المقاصد*، ج ۸، ص ۱۷۸، چاپ آل البیت، تاریخ ندارد. و قمی، میرزا ابوالقاسم، *جامع الشتات*، ج ۳، ص ۵۱۴، چاپ اول مؤسسه کیهان، ۱۳۷۱. و حلی، یوسف، *ایضاح الفوائد*، ج ۲، ص ۳۳۳، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۳۷۸، هجری قمری. و شیرازی، سید محمد، *الفقه*، ج ۵۹، ص ۱۴، دارالعلوم بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هجری قمری.

۴. نجفی، شیخ محمد حسن، *جواهر الکلام*، جلد ۲۷، ص ۳۵۱، چاپ دارالکتب الاسلامیه،

قبول دارد. ثالثاً، در وکالت حاضر نیز ممکن است وکیل برای قبول، نیاز به بررسی داشته باشد و این مستلزم فاصله حداقل چند روزه بین ایجاب و قبول است. رابعاً، رویه فقها بر صحت وکالت غایب است. چه، این که فقها از جمله خود صاحب جواهر غالباً به وسیله مکاتبه به اشخاص سمت نمایندگی در اخذ وجوهات می‌دهند و این مستلزم فاصله زمانی؛ بین ایجاب و قبول است.

### ب) قبول فعلی

ابتدا لازم است ذکر شود که غالب فقها می‌گویند: اعلام رضا چه در قبول و چه در ایجاب کافی نیست زیرا به وسیله عدم رضایت عقد محقق نمی‌شود.<sup>۱</sup> از طرفی دیگر، قبول بر دو معنا حمل می‌شود: اول، رضا و رغبت است و ضد آن ردّ است. و دوم، لفظی که دلالت بر رضایت کند؛ که این در بیع و سایر معاملات مقید است ولی در وکالت، قبول با رضایت به معنی اول کفایت می‌کند، زیرا مقصود اصلی از نیابت، اذن در تصرف است. بنابراین نیاز به قبول لفظی نیست.<sup>۲</sup>

امام خمینی (ره) در *تحریر الوسیله* می‌فرماید: «... و قبول وکالت به هر چیزی که دلالت بر رضایت به آن کند واقع می‌شود بلکه ظاهراً کفایت می‌کند در قبول، انجام دادن آنچه که در آن وکیل شده است بعد از ایجاب...» و شهیدین در *شرح لمعه* چنین تقریر نموده‌اند: «و قبول وکالت قولی است مانند فعلیت در ضمن و شبیه به اینها و فعلی مانند اینکه وکیل آنچه را که به انجام آن امر شده است، انجام دهد.»<sup>۳</sup> و در این امر تا بدانجا پیش رفته‌اند که به نظریه ایقاع وکالت نزدیک شده‌اند، زیرا قبول بعد از ردّ را مادامی که موکل بر اذن خود باقی است معتبر می‌دانند<sup>۴</sup> و این نظر فقها را قانون مدنی ایران نیز پذیرفته است، چنانکه در ماده ۶۸۱ مقرر می‌دارد: «بعد از این که وکیل استعفا داد مادامی که معلوم است موکل به اذن خود باقی است، می‌تواند در آنچه وکالت

۱. شیرازی، سید محمد، همان مأخذ، ص ۱۱.

۲. همان مأخذ، ص ۱۲.

۳. همان مأخذ، ص ۱۵.

۴. میرزای قمی، همان مأخذ، ص ۵۱۵.

داشته، اقدام کنند».

### ج) تنقیح بحث

از آنچه گفتیم روشن شد که اولاً، لازم نیست قبول وکالت لفظی باشد، بلکه با انجام دادن متعلق وکالت نیز قبول حاصل می‌گردد. ثانیاً، توالی بین ایجاب و قبول در فقه شرط نیست و اصولاً در این دو موضوع فقها نظریه اذن را قبول دارند که مادامی که اذن موکل باقی است، قبول و انجام وکالت لفظاً و فعلاً ممکن است.

### فصل دوم:

قانون مدنی ایران در ماده ۶۵۶، وکالت را عقدی دانسته است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌کند و تحقق عقود نیز منوط به ایجاب و قبول است و ایجاب مادامی که به قبول متصل نشود، اثر حقوقی ندارد. به علاوه، مدت بقای هر ایجاب پیش از اتصال به قبول محدود است و پس از پایان آن مدت، ایجابی باقی نمی‌ماند تا با انضمام به قبول عقدی را تشکیل دهد.<sup>۱</sup> از این رو توالی بین ایجاب و قبول لازم است، هر چند در قانون مدنی ماده‌ای که موالات بین ایجاب و قبول را لازم اعلام کند وجود ندارد.<sup>۲</sup>

از طرفی دیگر، ایجاب و قبول و به عبارت دیگر انشا باید مقرون به چیزی باشد که دلالت بر قصد کند تا عقد محقق شود (ماده ۱۹۱ ق.م) و این قرینه غالباً لفظ است. ولی این دو امر یعنی توالی بین ایجاب و قبول و قصد انشا در عقد وکالت به شرح ذیل است:

۱ - توالی ایجاب و قبول: در حقوق مدنی، به پیروی از فقه امامیه، توالی بین ایجاب و قبول در عقد وکالت شرط نیست<sup>۳</sup> و در این که بین ایجاب و قبول وکالت

۱. شهیدی، دکتر مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، نشر حقوقدان، چاپ اول ۱۳۷۷، ص

۲. همان مأخذ.

۱۵۶

۳. امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، ج ۲، کتاب فروعی اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۴، ص

۲۱۴

ممکن است مدتها فاصله افتد بین نویسندگان حقوقی اختلاف مهمی وجود ندارد.<sup>۱</sup> این امر را می‌توان از فحوی الخطاب ماده ۶۵۷ قانون مدنی استنباط نمود، زیرا اگر قانون مدنی توالی بین ایجاب و قبول را لازم می‌دانست ضرورتی در تکرار این ماده نبود. به علاوه، اطلاق ماده فوق نیز به تحقق وکالت پس از قبول وکیل در هر زمان دلالت دارد. و به اصطلاح اطلاق ماده دلالت بر تراخی دارد.

۲ - نحوه اعلام قبول: گفتیم که غالباً در عقود، قبول با لفظ واقع می‌گردد، ولی در عقد وکالت قانونگذار در ماده ۶۵۸ تصریح نموده است: «وکالت ایجاباً و قبولاً به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن کند واقع می‌شود.» آنچه مورد نظر ماست، قبول فعلی وکالت است که به تصریح قانونگذار معتبر است و همین امر نیز دلیلی دیگر بر عدم شرطیت توالی بین ایجاب و قبول است. چه، این که قبول فعلی ممکن است مدتها با ایجاب عقد وکالت فاصله داشته باشد، زیرا در اغلب موارد مورد وکالت، فوراً قابل انجام نیست و مستلزم تهیه مقدمات یا شرایطی است. و اما آنچه از این ماده مقدمه استنتاج مورد نظر ماست عدم لزوم قبول کتبی و در نتیجه عدم لزوم ثبت قبول در دفتر در مورد سند رسمی وکالت است.

۳ - عدم لزوم امضای سند وکالت از طرف وکیل: با توجه به موارد ۲ و ۱ بدیهی است که در تنظیم سند وکالت نیازی به امضای وکیل و بالطبع احراز هویت وکیل نیست، زیرا اولاً، قبول لفظی و کتبی در وکالت شرط نیست ثانیاً، توالی بین ایجاب و قبول شرط صحت وکالت نیست. از این رو قبول فوری و لفظی را در عقد وکالت لازم نمی‌دانند.<sup>۲</sup> بنابراین با ثبت سند وکالت تنها ایجاب موکل ثبت گردیده و فقط نیاز به احراز هویت از موکل و امضای وی می‌باشد. این رویه مورد تأیید حقوقدانان نیز قرار گرفته است.<sup>۳</sup>

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، عقود معین، انتشارات مدرس، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص

۲. شیرازی، سید محمد، همان مأخذ، ص ۱۵.

۱۳۳.

۳. کاتوزیان، دکتر ناصر، همان، صفحه ۱۳۰.

## فصل سوم

### (بررسی از نظر حقوق ثبت)

در فصل اول و دوم به بررسی فقهی و حقوقی مسأله پرداختیم و به اجمال بیان کردیم که در اسناد وکالت نیازی به ثبت قبول و بالطبع احراز هویت وکیل و امضای وی نیست اکنون باید دید که از نظر مقررات ثبت آیا این امر مجاز است یا خیر؟

با توجه به مطالب قبل، اولاً، ثبت ایجاب وکالت به تنهایی ایرادی ندارد، زیرا در قوانین منعی برای آن وجود ندارد بلکه مقررات مؤید این امر است. ثانیاً، ثبت ایجاب وکالت فقط برای موکل ایجاد تعهد می‌نماید و مادامی که وکیل قبول خود را لفظاً یا فعلاً اعلام ننموده، هیچ‌گونه تعهدی برای وکیل ایجاد نمی‌گردد. با توجه به این مقدمه و به استناد قسمت اخیر ماده ۶۲ قانون ثبت اسناد که مقرر می‌دارد: «در مورد اسنادی که فقط برای یک طرف ایجاد تعهد می‌نماید تصدیق و امضای طرف متعهد کافی خواهد بود» روشن است که در تنظیم اسناد وکالت به صراحت قانون فوق نیازی به امضای وکیل و بالطبع احراز هویت وی نیست و همین‌جا لازم است ذکر شود که به طریق اولی نیازی به ارایه شناسنامه وکیل و یا فتوکپی آن نیست و به صرف اعلام مشخصات وکیل از طرف موکل، سند وکالت قابل تنظیم و ثبت است.

**تکمله:** در این جا سوآلی به ذهن می‌رسد که: در تنظیم وکالت‌های بلاعزل آیا الزامی برای امضای وکیل هست یا خیر؟

در این مورد به نظر ما باید قائل به تفکیک گردید:

۱) **وکالت‌هایی که شرط عدم عزل ضمن عقد خارج لازم واقع می‌گردد:** در این گونه وکالت‌ها که غالباً با جمله «موکل ضمن عقد خارج لازم حق عزل وکیل را از خود سلب و ساقط نمود» بیان می‌شود، آنچه در سند قید گردیده، عدم عزل وکیل است که در ضمن عقد خارج شرط گردیده و ضروری نیست که آن عقد خارج لازم، مابین وکیل و موکل منعقد گردد، بلکه می‌تواند بین موکل و شخص ثالثی واقع شود و اصولاً این شرط می‌تواند ضمن هر عقد لازمی که یک طرف آن موکل است، منعقد گردد. و تصریح



جمله فوق در سند وکالت در واقع ثبت اقرار موکل است نه این که دلالت بر وقوع عقد لازمی بین وکیل و موکل نماید. بنابراین در این گونه اسناد نیز به نظر ما نیازی به امضا و احراز هویت وکیل نیست.

۲) **وکالت‌هایی که عقد وکالت ضمن عقد خارج لازم واقع می‌گردد:** در این گونه وکالت‌ها که غالباً با جمله این «وکالت ضمن عقد خارج لازم واقع و موکل حق عزل وکیل را از خود سلب و ساقط نمود» بیان می‌شود. آنچه مستفاد از جمله مذکور است، وقوع عقد وکالت ضمن عقد خارج لازم است و در عقد لازم نیز توالی عرفی بین ایجاب و قبول لازم است و چون عقد وکالت ضمن آن شرط گردیده ظاهراً قبول وکیل هم لازم است و مشکل می‌توان قائل به صحت شرط بدون امضای وکیل گردید. ولی مسلم این است که در صورت عدم امضای وکیل در این گونه اسناد، سرایت لزوم عقد اصلی به وکالت، محل تردید است، ولی اذن موکل و قابلیت انجام وکالت از طرف موکل محل تردید نیست.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی